

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

تقدیم به خانواده‌های سرزمین پرشکوه‌م؛  
ایران

# خودآموز فرآموز ارتباط با کودکان دارای معلولیت

کتاب کار با کودکان ۶ تا ۹ سال

مؤلفان:

دکتر سیامک طهماسبی

دکتر لیلا جباری

مریم ایوبی‌راد

فاطمه نورشرق

مهدی امیری

فاطمه مرادی

به سفارش اداره کل سلامت شهرداری تهران

با تشکر از مریم کبیری، عاطفه رزاق‌نیا، معصومه درخشان  
و ایمان صحرائیان

ویرایش متن: زینت احمدی

صفحه‌آرایی: زانیار بابکری

طراحی جلد: ابوالفضل قهرمانی

انتشار این کتاب در نشست شماره ۳۰ مورخ ۱۴۰۰/۵/۲۶  
شورای چاپ و نشر شهرداری تهران به تصویب رسیده است.





## فهرست

۶	مقدمه
۱۰	سخنی با والدین
۱۴	<b>بازی‌ها</b>
۱۵	کدام شیء نیست!؟
۱۷	بازی با صورت
۱۹	ماست خوری
۲۱	مارپیچ توپ
۲۳	کارت دوخت
۲۵	توپ را بگیر
۲۷	پرتاب توپ
۲۸	<b>داستان‌ها</b>
۲۹	ببری که همه رو مسخره می‌کرد
۳۱	گروه کوشا
۳۴	پای آهنی
۳۷	دوستی به زیبایی فرشته
۴۰	<b>نقاشی‌ها</b>
۴۱	نقاشی با چشم‌های بسته
۴۲	بادکنک‌های احساسات
۴۳	من فرق دارم!
۴۴	روز جهانی افراد دارای معلولیت
۴۶	<b>پویانمایی‌ها</b>
۴۷	مسخره کردن و دست انداختن
۴۸	این منم! هلن کلر.
۴۹	انیمیشن دست‌های توانا
۵۰	یان
۵۲	<b>بازی‌های دیجیتال</b>
۵۳	مجموعه بازی‌های سبز
۵۴	قهرمان کوچولو
۵۶	دعا و نیایش
۵۸	منابع

## مقدمه

امروزه علی‌رغم گسترش روزافزون علم و تکنولوژی، فرضیه‌ی آسانترشدن تربیت کودک در سایه‌ی این پیشرفت‌ها، رنگ باخته است و در هجوم داده‌های متنی، صوتی و تصویری و همه‌گیری شبکه‌های مجازی، آنچه سهل‌الوصولتر از قبل شد، آسیب‌های اجتماعی و اختلالات روانی متعدد بود و نه تربیت کودک سالم، شاد و بهنجار.

در این دهکده‌ی آنلاین جهانی، والدین در مسیر پروراندن کودک خود، تنها از همیشه هستند. دیگر نه آن ارتباطات خویشاوندی و انتقال تجربیات به‌خوبی اتفاق می‌افتد و نه زمین‌های بازی و محله‌ها به‌قدری وجود دارند که فرزندان را برای زندگی آینده یاری دهند. همه‌ی آنچه روزی گمان می‌رفت که برای تسهیل زندگی آمده است، اکنون در مقابل کانون خانواده قرار دارد و عمداً یا سهواً در حال تضعیف این نهاد مهم اجتماعی است؛ از تلویزیون گرفته تا اینستاگرام؛ از اخبار جعلی تا نوشتارهای نامعتبر.

قاعدتاً در این شرایط، کارایی خانواده در تربیت کودکان به‌تدریج کاهش یافته و رسانه این نقش حیاتی را به دست می‌گیرد؛ رسانه‌ای افسارگسیخته، بدون نظارت و از همه مهم‌تر، بدون رقیب. حال ما از سویی درگیر مشغله‌های مجازی خودمان هستیم، از سوی دیگر آسیب‌های اجتماعی فوران کرده‌اند و کودکان بیشتر از هر زمان آماج این تهدیدات هستند.

میرهن است که هر جامعه‌ای، چنانچه از خانواده‌هایی سالم برخوردار نباشد، نمی‌تواند ادعای سلامت کند و بدون شک هیچ‌یک از آسیب‌های اجتماعی هم نیست که فارغ از تأثیر خانواده به وجود آمده باشد. پدر و مادر، بهترین الگوها هستند و کودک آداب‌ورسوم، نحوه‌ی برخورد و ارتباط با محیط و بسیاری از واکنش‌های اجتماعی را از والدین می‌آموزد. خانواده تحت شرایط صحیح، کودکان را آماده می‌سازد تا توانایی‌های بالقوه خود را شناسایی کنند و به‌عنوان افراد بالغ، نقش‌های سودمندی را در جامعه به عهده گیرند؛ اما در خانواده‌های ناسالم، میزان بروز رفتارهای پرخطر بیشتر است. در چنین شرایطی و برای مصون نمودن جامعه از آسیب‌های روزافزون، باید نظام‌های اجتماعی و سیاسی برای آموزش والدین گام‌هایی بردارند. این گام‌ها شامل آموزش‌های فرزندپروری به والدین، تسهیل دسترسی به مراکز ارائه‌ی خدمت و مشاوره، ایجاد زیرساخت‌های محلی، تقویت آموزش رسمی و ... است.

یکی از این نهادهای اجتماعی که می‌تواند در ارتقای سطح سلامت روان شهروندان جامعه و به‌تبع آن خانواده‌ها نقش ایفاء کند، شهرداری‌ها می‌باشند، امروزه شهرداری‌ها در بسیاری از کشورهای دنیا به ویژه کشورهای پیشرفته، یکی از ارکان اساسی تأمین حفظ و ارتقای سلامت شهروندان آن جامعه محسوب می‌شوند. در حال حاضر شهرداری تهران نیز با راه‌اندازی اداره کل سلامت (در سطح ستاد)، ادارات سلامت (در سطح مناطق) و خانه‌های سلامت (در سطح محلات)، قدم‌های اساسی و زیربنایی را به‌منظور ارتقای سطح سلامت شهروندان به ویژه در ابعاد اجتماعی و روانی آن برداشته است. اجرای ویژه‌برنامه‌های مختلف آموزشی سلامت‌محور، ارائه‌ی خدمات مشاوره و روانشناسی، تشکیل کانون‌های اجتماع‌محور و جذب همکاری‌های دولتی و غیردولتی، نمونه‌ای از اقداماتی است که در این راستا در حال اجرا می‌باشد. با توجه به گسترش آسیب‌های اجتماعی و ضرورت آموزش شهروندان به ویژه کودکان و نوجوانان در جهت پیشگیری از رفتارهای پرخطر، اداره کل سلامت شهرداری شهر تهران نسبت به راه‌اندازی مراکز آموزش مهارت‌های رفتاری کودکان و نوجوانان با عنوان فرآموز در سطح مناطق بیست‌ودوگانه اقدام نموده است.

فرآموز، مکانی برای اجرای برنامه‌های آموزشی هدفمند برای کودکان و نوجوانان است تا در آنجا مربیان بتوانند زمینه‌ی رشد مهارت‌ها و توانمندی آنان را فراهم نموده و مهارت‌های اساسی زندگی را در آنان ارتقاء دهند و بر تجارب آنها در تعاملات و ارتباطات اجتماعی خود بیفزایند. هر مرکز فرآموز متناسب با عنوان فعالیت آن بر اساس اصول علمی و روانشناسی طراحی و فضاسازی شده و به کارگاه‌های تخصصی متنوعی برای یادگیری بهتر و سریعتر تقسیم گردیده است. آموزش در این مراکز توسط مربیان مجرب، کارآموزده، آشنا و مرتبط با مباحث روانشناسی و مهارت‌های رفتاری کودکان و نوجوانان انجام می‌گیرد. مربیان در این مراکز در محیطی شاد، خلاق و بانشاط با بهره‌گیری از روش‌های مختلف نظیر بازی، نمایش، نقاشی، شعر، قصه‌گویی، بارش افکار، بحث و گفت‌وگوی آزاد و... مهارت‌های رفتاری را به گروه هدف آموزش می‌دهند.

لذا با توجه به اینکه عمدتاً افراد مراجعه‌کننده یک بار از خدمات مراکز فرآموز بهره‌مند می‌گردند، ضرورت تداوم آموزش‌ها به گروه‌های هدف و والدین آنان جهت پایدارسازی و اثربخشی این آموزش‌ها اجتناب‌ناپذیر است.

از این‌رو بر آن شدیم تا با تدوین محتوای ساده، کاربردی، علمی و مخاطب‌پسند، بتوانیم فعالیت‌های فرآیندی را برای خانواده و محیط خانواده بازطراحی کنیم؛ به این شکل که والدین بتوانند با کمترین ابزار موردنیاز و صرف وقت اندکی، فعالیت‌های هدفمندی را با فرزندان خود کار کنند و چه‌بسا که اثرات مطلوب‌تری نیز کسب نمایند.

بدین منظور برای هر مرکز فرآموز، سه جلد کتاب طراحی و تدوین شد. نخست؛ کتاب ویژه‌ی والدین که دارای دو بخش می‌باشد: بخش ویژه که به تعریف، تبیین، سبب‌شناسی و مؤلفه‌های موضوع موردنظر می‌پردازد و در آن توصیه‌ها و تکنیک‌های ارتقای مهارت در والدین و فرزندانشان به تفصیل قرار داده شده است و بخش مشترک که حاوی مطالبی در خصوص مهارت‌های عمومی و کاربردی پرورش فرزندان، نحوه‌ی تعامل با رسانه و ارتباط بین مهارت‌های زندگی با کتب درسی می‌باشد. این بخش مشترک به‌منظور جلوگیری از قطع ارتباط منطقی مباحث، در پایان تمام کتاب‌های والدگری قرار داده شده است.



در کنار کتاب والدین، دو کتاب برای انتقال مهارت‌ها به کودکان (فرزندپروری) در دو گروه ۶ الی ۹ سال و ۱۰ الی ۱۳ سال نیز تدوین شده است که هر کتاب مشتمل بر بازی، داستان، نقاشی، انیمیشن و بازی دیجیتال است. در راهنمای فرزندپروری، هدف از فعالیت‌های گردآوری‌شده، مدت‌زمان لازم برای هر کدام، ابزارهای موردنیاز و گفت‌وگوهایی که قبل و بعد از فعالیت باید با کودک داشت، شرح داده شده است. بدیهی است که به‌کارگیری فعالیت‌های کتاب فرزندپروری مطابق با شیوه‌نامه‌های آن، انتقال مهارت‌ها و مفاهیم تربیتی را به کودک بسیار تسهیل خواهد کرد.

بنا به مراتب، بسته‌ی حاضر با عنوان خودآموز ارتباط با کودکان دارای معلولیت، برای استفاده‌ی خانواده‌های عزیز طراحی شده است. در پایان امیدواریم که آنچه در این مجموعه کتب تدوین گشته، موجبات رضایت شما والدین عزیز را فراهم سازد. آرزوی قلبی ما پرورش فرزندان سالم، بهنجار، شاد و پرتلاش در سراسر ایران است که این مهم قطعاً با همراهی پدران و مادران عزیز دست‌یافتنی است.

## سخنی با والدین

والد عزیز؛ بسته‌ی خودآموزی که هم اکنون در حال مطالعه‌ی آن هستید، دربرگیرنده‌ی مجموعه‌ای از فعالیت‌ها شامل بازی، داستان، نقاشی، پویانمایی و بازی‌های دیجیتال، برای ارتقای مهارت‌های ضروری به‌منظور پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی در فرزندان می‌باشد. تیم تألیف این محتوا در تلاش بوده‌اند با انتخاب فعالیت‌های ساده، آسان، مؤثر و البته کاربردی، راهنمای ارتقایی مطلوبی برای والدین آماده نماید. از این رو عمده‌ی فعالیت‌های موجود در این راهنما، توسط نگارندگان، مشاهده یا اجرا و با حصول اطمینان از کارایی آنان به کتاب اضافه شده‌اند.

یکی از مهم‌ترین مباحثی که از ابتدا مورد توجه تیم تألیف بود، مخاطب‌پسند بودن فعالیت‌هاست؛ به‌گونه‌ای که هم‌هی والدین گران‌قدر، فارغ از میزان سواد بتوانند آنها را در محیط خانه عملیاتی نمایند. همچنین از آنجایی که فعالیت‌ها انتخابی بوده و هر کدام به‌واسطه‌ی اثربخشی خود در این کتاب قرار گرفته‌اند، لازم است متذکر شویم که اجرای مطابق شیوه‌نامه آن‌ها بسیار مهم است. برای هر فعالیت، حسب مورد،

شیوه‌نامه اجرایی نوشته شده که بهتر است والدین در هنگام تعامل با فرزندان از آن پیروی کنند. یکی از قسمت‌های موجود در شیوه‌نامه، بخش «گفت‌وگوهای قبل و بعد از فعالیت» هست که مستقیماً بینش و نگرش کودک شما را هدف می‌گیرد و ذهن کودک را برای دریافت محتوای مدنظر، قبل از مشاهده یا اجرای فعالیت؛ و تثبیت آموخته‌های پس از آن آماده می‌سازد. لذا لازم است نکاتی که به کودک می‌گویید، در گستره‌ی مواردی باشد که در این قسمت به آن اشاره شده است. برخی از والدین ممکن است در هنگام مطالعه‌ی فعالیت‌ها با خود بیندیشند که چه هدفی در آموزش این موارد وجود دارد؟ پاسخ این ابهام والدین نیز در بخش «اهداف» آمده است. به این صورت که برای عمده‌ی فعالیت‌ها، اهداف مورد انتظار از اجرای آن نوشته شده و والدین حتی با توجه به اهداف، می‌توانند برخی از فعالیت‌ها را جدی‌تر دنبال بکنند. یکی از دغدغه‌های والدین برای انجام فعالیت‌های آموزشی متنوع و اثربخش در منزل، عدم وجود لوازم موردنیاز است. بدین‌منظور تیم تألیف محتوا، با توجه به این دغدغه‌ی بجا، فعالیت‌هایی را انتخاب نموده است که با استفاده از لوازم موجود در منزل، بتوان آن را اجرا نمود.

ممکن است در نگاه اول برخی از فعالیت‌ها برای والدین، فاقد اثربخشی و جذابیت باشند! در اینجا لازم است بگوییم که فرزندان حتماً دیدگاه متفاوتی با شما خواهند داشت. شاید برخی برای شما جذاب نباشد، ولی یقیناً اگر مطابق شیوه‌نامه اجرا شوند، مشاهده خواهید کرد که فرزندان با جدیت آن را انجام داده و از انجام آن نیز لذت می‌برند؛ لذتی توأم با آموختن. اما نکته‌ی مهم در اینجا این است که همه‌ی اهداف آموزشی، چه در این راهنما و چه در سایر کتب، زمانی به نتیجه خواهند رسید که با معجون‌ی سحرآمیز ترکیب شوند؛ و آن معجون چیزی نیست جز ارتباط مثبت والد - فرزند. با اطمینان می‌گوییم که این مورد، تسهیل‌کننده‌ی هر آن چیزی است که برای آینده‌ی زیبای فرزندان ترسیم کرده‌اید. در کتاب ویژه والدین، مطالب زیادی برای نیل به این ارتباط موثر و مثبت آورده شده است. همچنین فعالیت‌های این کتاب نیز به‌گونه‌ای انتخاب شده‌اند که به‌صورت ناخودآگاه ارتباط والد-فرزندی را مثبت و مؤثرتر سازد. با این حال اگر کوشش مجدّانه‌ی شما برای ساخت این ارتباط نیز بدان اضافه شود، بی‌شک رضایت دوطرفه‌ی شما چندین برابر خواهد شد. پس

لطفاً برای اجرای این فعالیت‌ها، زمان ویژه‌ای را در نظر بگیرید و در این مدّت، فارغ از دنیای مجازی و متعلقات آن، صرفاً به کودک دل‌بند خود توجه کنید و تمام متغیرهای مزاحم و مختل‌کننده‌ی این توجه را به‌صورت موقت نادیده بگیرید.

برخی از فعالیت‌ها به‌صورت مستقیم و برخی به‌صورت غیرمستقیم به آموزش مهارت مدنظر ما می‌پردازند. در صورتیکه نسبت به اثربخشی یک فعالیت شک کردید، لطفاً یک بار آن را انجام دهید (در کتاب والدین به اثربخشی و اهمیت هر کدام اشاره شده است). پس از انجام می‌بینید که اثرات اجرای آن، بسیار بیشتر از عدم انجام است. شما صرفاً با اجرای این فعالیت، کودک را در معرض آموختن توأم با لذت قرار می‌دهید؛ امر مهمی که عمدتاً محقق نمی‌شود. پس یادمان باشد که کمترین اثر این راهنما، غنی‌سازی محیطی است؛ یعنی مهیا کردن محیطی روانی و فیزیکی برای فرزندان تا کمی بیشتر با شما باشد و از اینکه کنار شماست، لذت ببرد. از سوی دیگر، انجام این فعالیت‌ها، یعنی توجه مؤثر و مطلوب به فرزندان. فرزند شما این «توجه» را درک می‌کند و مطمئن باشید که به آن پاسخ دلگرم‌کننده‌ای خواهد داد.

نکته‌ی بعدی اینکه، ترتیب قرارگیری فعالیت‌های آموزشی، براساس میزان اهمیت آن‌ها بوده است؛ یعنی برای ما بازی، داستان و نقاشی در اولویت هستند و شما نیز بهتر است بیشتر تمرکزتان را روی این سه بگذارید. تمام این فعالیت‌ها خاصیت تکرارپذیری دارند و شما هر کدام را می‌توانید چندین بار با فرزندان انجام دهید.

با توجه به اینکه در دنیای دیجیتال کنونی، نادیده گرفتن رسانه و فضای مجازی، سر زیر برف کردن است و این واقعیت زندگی امروز می‌باشد؛ سعی کردیم انیمیشن و بازی‌های دیجیتال مرتبط و مناسبی برای کودکان معرفی کنیم. منتهی لازم است والدین حتماً میزان و نحوه‌ی استفاده‌ی فرزندان از ابزارهای دیجیتال را کنترل کنند که یقیناً مضرت آن، بسیار بیشتر از مزایای آن است. پویانمایی (انیمیشن) و بازی‌های دیجیتال معرفی‌شده در این راهنما، فیلترهای معمول برای اینکه مناسب خانواده باشند را گذرانده‌اند و شما می‌توانید با اطمینان آن‌ها را با کودکان خود مشاهده و اجرا کنید. البته فضای مجازی مملو از نسخه‌های متفاوت از یک انیمیشن یا بازی است و یا ممکن است پیدا کردن آن برای شما دشوار باشد. از این رو برای آنکه مسیر

کوتاه‌تری را برای دانلود بازی دیجیتال یا انیمیشن طی کنید و همچنین از دانلود نسخه‌های نامناسب جلوگیری شود، برای هر کدام از این موارد یک رمزینهی پاسخ سریع (QR Code) طراحی شده است. شما می‌توانید با دانلود اپلیکیشن رمزینہ‌خوان در سایت‌ها و برنامه‌های موجود و اسکن رمزینہ به‌وسیله‌ی دوربین گوشی‌تان مستقیماً وارد صفحه‌ی دانلود امن شوید و محتوای موردنظر را بر روی گوشی خود داشته باشید. برای دانلود اپلیکیشن رمزینہ‌خوان می‌تواند عبارت «QR» را در کافه‌بازار جستجو کنید و اولین برنامه‌ی پیشنهادی را نصب نمایید.

مجدداً با قدردانی از تمامی والدین، صبوری و همت مضاعف در کار با فرزندان را، از مهم‌ترین ویژگی‌های پدر و مادر ایرانی می‌دانیم و امید آن داریم که در هنگامه‌ی شکوه و سعادت، جدیت توأمان خود را در کاربست این راهنما به میدان آورید.



بازی‌ها

## کدام شیء نیست؟

## اهداف

- تقویت حس لامسه؛
- پرورش مهارت همدلی با افرادی که متفاوت هستند؛
- تقویت توجه به احساسات افرادی که با بقیه متفاوتند؛
- ارتقای توانایی تشخیص؛



زمان مورد نیاز



وسایل مورد نیاز

پارچه برای بستن چشمها

## اجرا

به کودک بگویید: کودکانی هستند که از منظر بینایی مشکل دارند و از سایر حواسشان بیشتر استفاده می‌کنند. سپس برای انجام بازی کودک و مادر داخل یک کیسه تعدادی اشیاء و وسایل قابل لمس، مثل خودکار، مداد، ماژیک و... قرار می‌دهند. آن وقت مادر با چشم‌بند، چشم‌های کودک را می‌بندد. در مرحله‌ی اول از کودک می‌خواهد اشیاء را با لمس کردن و گفتن اسمشان از کیسه خارج کند.

در مرحله‌ی دوم یکی از اشیاء را به دور از چشم کودک از کیسه خارج کرده و حالا از کودک می‌خواهد مثل مرحله‌ی اول اشیاء را با استفاده از حس لامسه و خارج کردن آن‌ها تشخیص دهد که کدام شیء نیست. در مرحله‌ی سوم؛ دو شیء خارج شده را کودک تشخیص دهد. در مرحله‌ی چهارم؛ سه شیء خارج شده را تشخیص دهد.



- از اینکه وسایل و اشیاء را نمی‌دیدید چه احساسی داشتی؟

- برای تشخیص اشیاء از کدام حواس پنجگانه استفاده کردی؟

- بازی چه قدر برات لذت بخش بود؟

- کدام قسمت از بازی سخت بود؟

بازخورد  
از کودک



## اهداف

- افزایش حس همدلی با کودکان دارای معلولیت؛
- ایجاد اوقات شاد و فرح بخش؛
- ارتقای دامنه‌ی توجه؛
- ایجاد همدلی با کودکان دارای معلولیت؛
- ایجاد و ارتقای امید به زندگی؛



زمان مورد نیاز



بیسکوئیت

وسایل مورد نیاز

## اجرا

بیسکوئیت را روی صورت خود قرار داده و روی پیشانی و با حرکات صورت سعی می‌کنیم آن را به دهان خود برسانیم. برای همکاری بیشتر بچه‌ها بهتر است پدر و مادر نیز با کودک همراه شوند.



- به نظرت بازی چطور بود؟

- بعد از چند بار تلاش توانستی بیسکوئیت را بخوری؟

- به نظرت محدودیت‌ها مثل این بازی که نباید با دست می‌خوریم،

می‌تواند باعث شود از زندگی لذت نبریم؟

- به نظرت دیگر چه خوراکی‌های دیگری را هم می‌شود به این شکل خورد؟

باز خورد  
از کودک

## ماست خوری

## اهداف

- ایجاد شادی، نشاط و هیجان؛
- افزایش توجه، دقت و تمرکز؛
- پرورش مهارت همدلی با افراد دارای معلولیت جسمی - حرکتی؛
- ارتقای حس کمک و همراهی با افراد دارای معلولیت؛



زمان مورد نیاز



یک کاسه ماست

وسایل مورد نیاز

## اجرا

با کمک کودک، ماست را درون کاسه می‌ریزیم و به او می‌گوییم: بدون استفاده از دست آن را در مدت زمان تعیین شده باید بخورد. برای مهیج شدن بازی، می‌توانید از موسیقی استفاده کنید.



- از اجرای این بازی چه حسی داری؟

- از اینکه از دستان و قاشق برای این بازی استفاده نکردی چه احساسی داری؟

- فکر می‌کنی آیا هستند کسانی که بدون استفاده از دست و قاشق غذا بخورند؟

- به نظرت آن‌ها چگونه غذا می‌خورند؟

- اگر یک روز این افراد را ببینی چگونه کمکشان می‌کنی؟

بازخورد  
از کودک

## اهداف

- پرورش مهارت همدلی با افرادی که متفاوت هستند؛
- افزایش توجه به احساسات افرادی که با بقیه متفاوتند؛
- تقویت دقت و تمرکز؛
- افزایش توانایی تشخیص مسیر صحیح برای رسیدن به مقصد؛
- توانایی همدلی با افراد دارای معلولیت موفق؛

زمان مورد نیاز



وسایل مورد نیاز



خمیر بازی



توپ کوچک

## اجرا

با استفاده از خمیر بازی، خطوطی منحنی را روی میز درست کنید؛ به طوری که توپ در مسیر مشخص شده حرکت و به انتها برسد و از کودک بخواهید با فوت کردن توپ بتواند آن را به نقطه‌ی پایان برساند.



- نظرت درباره این بازی چی بود؟
- فکر میکنی با فوت کردن توپ راحت‌تر به مقصد می‌رسد یا با هل دادن با دست؟
- اینکه در محدودیت و با تلاش، توپ را به مقصد رساندی چه حسی داری؟
- آیا تا به حال این افراد را دیدی؟ دوست داری آنها را از نزدیک ببینی؟
- اگر از نزدیک ببینی، دوست داری چی بهشون میگی؟

بازخورد  
از کودک

## کارت دوخت

## اهداف

- تقویت حس لامسه؛
- پرورش مهارت همدلی با افرادی که متفاوت هستند؛
- افزایش توجه به احساسات افرادی که با بقیه متفاوتند؛
- تقویت دقت، توجه و تمرکز؛



زمان مورد نیاز



نخ یا طناب (نیم‌متر)



چشم‌بند

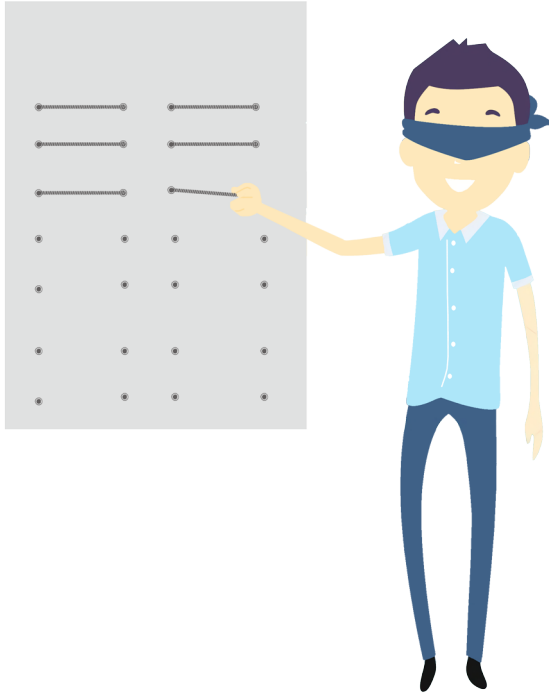


کاغذ

وسایل مورد نیاز

## اجرا

به کودک بگویید یک وسیله‌ی بازی با هم درست کنیم و اگر امکان داشت آن را در اختیار بچه‌هایی که دارای معلولیت بینایی هستند، قرار بدیم. یک برگ کاغذ یا مقوای ۱۷ در ۱۷ سانتی متر آماده کرده، تصویر یک میوه یا حیوان روی آن ترسیم می‌شود. سپس روی خطوط (میوه یا حیوان ترسیم شده) حفره‌هایی ایجاد می‌کنیم طوری که نخ از داخل آن‌ها به راحتی عبور کند. در ادامه با چشم‌بند چشم‌های کودک را بسته و از او خواسته می‌شود نخ را به صورت زیر و رو از داخل حفره‌ها رد کند. انجام این فعالیت مستلزم این است که ابتدا حفره‌ها را لمس کرده و سپس نخ را به درستی رد کند.



- در زمان انجام فعالیت چه احساسی داشتی؟

- آیا دوست داشتی با چشم‌های باز این بازی را انجام می‌دادی؟

- زمان رد کردن نخ، چند بار اشتباه کردی؟

- انجام بازی چه قدر طول کشید؟

- بچه‌هایی که دارای معلولیت بینایی هستند؛ چه قدر در انجام این

بازی به وقت نیاز دارند؟

بازخورد  
از کودک



## توپ را بگیر

## اهداف

- پرورش مهارت همدلی؛
- تقویت مشارکت بین اعضای خانواده؛
- ایجاد شادی، نشاط و هیجان؛
- افزایش مشارکت و همکاری؛



زمان مورد نیاز



توپ کوچک

وسایل مورد نیاز

## اجرا

مادر به کودک می‌گوید بعضی از افراد در همه‌ی زمینه‌ها مثل ما هستند اما یک تفاوت با ما دارند و دستشان توانایی کافی ندارد. آن‌ها نمی‌توانند ابزار و وسیله‌ها را به خوبی به کار ببرند، نمی‌توانند مداد را در دست گرفته و بنویسند. آن‌ها برای انجام این فعالیت‌ها از پا استفاده می‌کنند. سپس یک توپ به کودک بدهید و از او بخواهید توپ را با پاها گرفته و مسیری را که مشخص می‌کنید حرکت کرده و مراقب باشد توپ رها نشود. برای ایجاد هیجان، می‌توانید بازی را گروهی ادامه بدین دونفر دونفر توپ را یک بار با پاها، یک بار با قفسه سینه، بین کمر، بین دو پیشانی و بین دو مشت حمل کنید و از مبدأ تا مقصد بیاورید.



- هنگام انجام بازی چه احساسی داشتی؟

- اگر شما هم دستانت به اندازه‌ی کافی توانایی نداشت، چه کار می‌کردی؟

- بازی چه قدر لذت بخش بود؟

- انجام بازی آسان بود یا سخت؟ چرا؟

بازخورد  
از کودک

## اهداف

- ایجاد شادی، نشاط و هیجان؛
- افزایش توجه، دقت و تمرکز؛
- پرورش مهارت همدلی؛



زمان مورد نیاز



چشمبند



سبد



توپ کوچک

وسایل مورد نیاز

## اجرا

یکی از اعضا، چشم کودک را می‌بندد و او با فاصله از سبد می‌ایستد. آن وقت توپ را به دست کودک می‌دهد و کودک باید با چشم بسته آن را داخل سبد پرت کند. آن وقت کودک چشم‌بند را برداشته و به تعداد توپ‌های داخل سبد نگاه می‌کند. همین کار را یک بار بدون چشم‌بند انجام می‌دهد و نتیجه را مقایسه می‌کند.

- وقتی با چشم‌های باز، بازی را انجام می‌دادی چه احساسی داشتی؟

- وقتی با چشم‌های بسته، بازی را انجام می‌دادی چه احساسی داشتی؟

بازخورد  
از کودک



داستان حما



## داستان شماره ۱

### ببری که همه رو مسخره می‌کرد

یکی بود یکی نبود. روزی ببر باهوش و چالاک و قوی وجود داشت که همیشه حیوانات دیگر را مسخره می‌کرد و به آن‌ها می‌خندید. مخصوصاً زنبور را ضعیف و کوچک و فیل را کُند و دست و پا چلفتی می‌نامید و مسخره می‌کرد. یک روز حیوانات جنگل از جمله ببر در غاری جمع شده بودند و در حال صحبت کردن بودند که ناگهان زمین لرزه آمد و در خروجی غار بسته شد. از آن جایی که ببر قوی بود و همیشه حیوانات دیگر را مسخره می‌کرد، همه‌ی حیوانات گرفتار در غار انتظار داشتند که ببر در غار را باز کند و آن‌ها را نجات دهد. ولی هرچه‌قدر ببر زور زد نتوانست صخره‌ها را از جلوی در غار تکان بدهد. در نهایت، زنبور کوچولو فکری به ذهنش رسید و از میان شکاف بین صخره‌ها پرواز کرد و از غار خارج شد. چون فیل از مسخره کردن ببر ناراحت بود، در گوشه‌ای تنها نشسته بود و با حیوانات دیگر به غار نرفته بود. پس زنبور به دنبال فیل در جنگل گشت و او را پیدا کرد و به او گفت که حیوانات در غار گرفتار شده‌اند و در غار بسته شده است و آنها نمی‌توانند بیرون بیایند.



فیل به سمت غار راه افتاد و با خرطوم خود صخره‌ها را از جلوی در غار برداشت و حیوانات را نجات داد. حیوانات با خوشحالی از غار بیرون آمدند و از زنبور کوچک و فیل سپاسگزاری کردند و خواستند که با آنها دوست شوند. آخرین حیوانی که از غار بیرون آمد ببر بود که صورتش از خجالت قرمز شده بود. ببر درس خود را آموخته بود و از آن روز به بعد ببر فقط خوبی‌های حیوانات دیگر را می‌دید و با همه دوست بود.

- بر چه ویژگی‌هایی داشت که باعث شده بود بقیه‌ی حیوانات را مسخره کند؟

- اگر کسی شما را مسخره کند چه احساسی پیدا می‌کنید؟

- با کمک یکی از اعضای خانواده آیات و احادیثی که درباره‌ی مذمت مسخره کردن است را پیدا کن و بنویس.

- خلاصه‌ی داستان را نوشته و نقاشی کن.

بازخورد  
از کودک



## داستان شماره ۲

### گروه کوشا

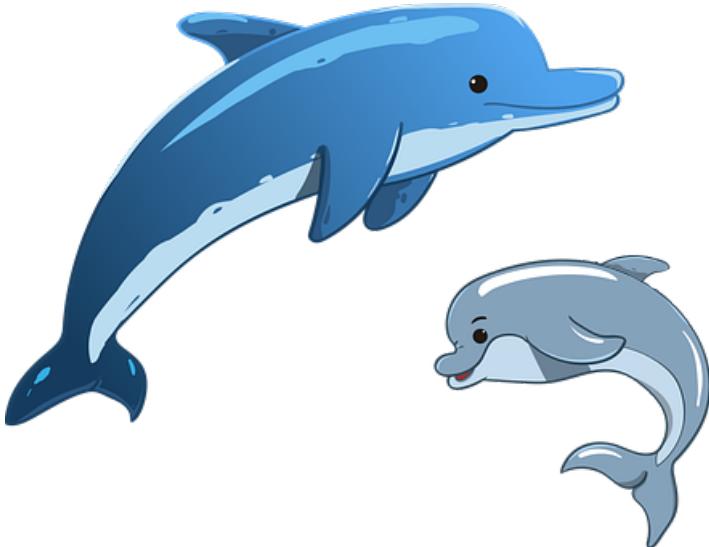
کوشا، بچه دلفینی بود که شبی در آبهای عمیق قطب شمال به دنیا آمد. همان لحظه‌ی تولد، پدرش تا او را دید به مادر کوشا گفت: می دانی یکی از باله‌های پسرمان کوچک‌تر از آن یکی است؟

مادر کوشا که او را در آغوش گرفته بود گفت: مطمئن هستی؟! کدام یکی از باله‌هایش؟

پدر نزدیک کوشا آمد و گفت: باله‌ی سمت راستش است، با دقت نگاه کن.

مادر کوشا وقتی دقیق‌تر به باله‌ی پسرش نگاه کرد متوجه شد، حرف پدر کوشا درست است.

فردای آن روز پدر و مادر کوشا او را پیش بزرگ دلفین‌ها که اسمش دانا بود، بردند.



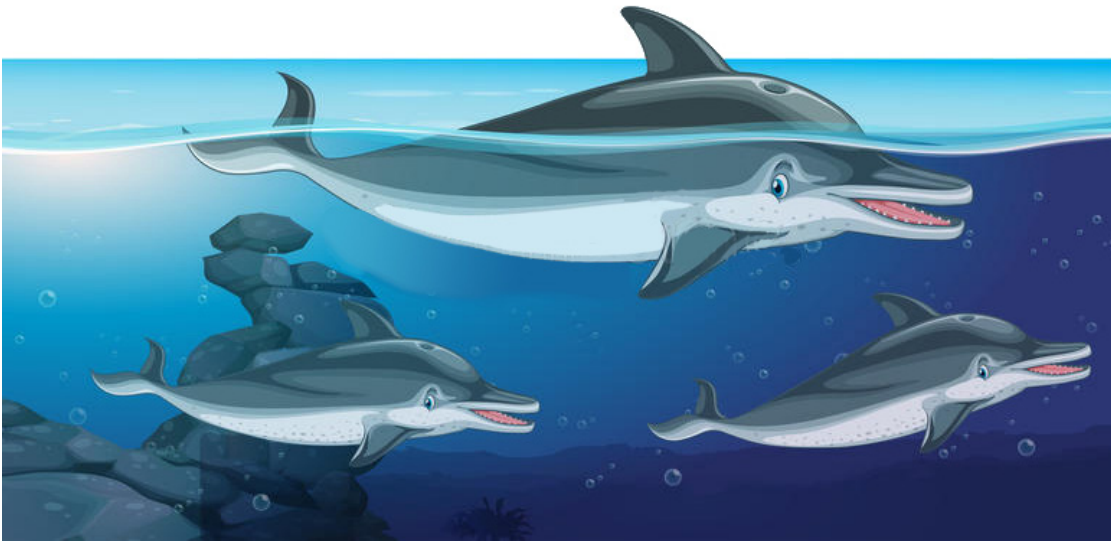
دانا وقتی مسئله را شنید، لبخندی زد و گفت: نگران نباشید، تا شش سالگی ممکن است رشد باله‌ی پسران کامل شود. حتی اگر این اتفاق هم نیفتد، بر اثر تمرین و ورزش زیاد می‌تواند با همین باله‌ای که دارد خوب شنا کند. پدر کوشا با نگرانی گفت: آخر شما بهتر می‌دانید هماهنگ شنا کردن در کار گروهی ما دلفین‌ها بسیار اهمیت دارد. من خیلی نگران هستم که پسر من نتواند با گروه هماهنگ شود. این طوری هم خودش آسیب می‌بیند، هم گروه.

دانا گفت: شما درست می‌گویید، اما نگرانی مشکل را حل نمی‌کند. باید تلاش کرد و راه حل پیدا کرد. همه‌ی ما باید به هم کمک کنیم تا کار گروهی‌مان درست انجام شود.

مادر کوشا همانطور که پسرش را در آغوش گرفته بود، او را بوسید و گفت: جناب دانا من مطمئنم کوشا حتی با همین باله‌های کوچکش پسر موفقی خواهد شد. کار گروهی در ذات ما دلفین‌هاست. او هم ان‌شالله می‌تواند با تمرین و تلاش شنایش را تقویت کند. ما نیازمند راهنمایی‌های شما هستیم.

دانا به آن‌ها اطمینان داد که کمکشان کند. از فردای آن روز، به توصیه‌ی دانا، کوشا هر روز همراه با پدر و مادرش به محل شکار گروه دلفین‌ها می‌رفت و حرکت دسته‌جمعی آن‌ها را خوب نگاه می‌کرد. یکی از روزها، کوشا از پدرش پرسید: بابایی، چطوری این گروه آنقدر می‌توانند هماهنگ شنا کنند؟!

پدر در جوابش گفت: دلفین آغازگر، جلوتر از بقیه شروع به شنا کردن می‌کند و بقیه‌ی دلفین‌ها یکی یکی خود را به او می‌رسانند و سرعتشان را با او هماهنگ می‌کنند. اگر هر کدام از آن‌ها بی‌دقتی کنند خیلی زود نتیجه‌ی کار گروهی‌شان از بین می‌رود و در





وقت شکار هم اگر غفلت کنند و به طور منظم جلو نروند، شکارشان متوجه می‌شود و فرار می‌کند. کوشا همانطور که با لذت شنای گروهی آن‌ها را نگاه می‌کرد گفت: چقدر حرکاتشان قشنگ و هماهنگ است، پس من کی می‌توانم با گروه شنا کنم؟ پدر گفت: باید اول با هم خوب تمرین شنا کنیم، چون لازمه‌ی کار گروهی، مهارت در شنا و توجه به حرکات منظمشان است.

مادر گفت: من مطمئنم که تو با تلاش و کوشش می‌توانی مثل بقیه به خوبی شنا کنی و یک شکارچی توانا بشوی.

کوشا لبخندی زد و گفت: چشم من حتماً تلاش می‌کنم تا وظیفه‌ام را به خوبی انجام دهم.

بعد از آن، کوشا هر روز همراه هم گروهی‌هایش تمرین می‌کرد تا بتواند مانند آن‌ها هماهنگ شنا کند. تکان دادن باله‌ی کوچکتر برایش کمی سخت بود، اما صبری و همراهی پدر و مادر و دوستانش به او کمک کرد تا بعد از چند ماه بتواند شناگر ماهری شود. باله‌ی کوچک او حالا بسیار قوی شده بود. پس از چند سال کوشا عضو اصلی گروه در شکار کردن طعمه‌ها شد. او به پدر و مادرش گفت: اگر کمک و مهربانی شما نبود حالا من نمی‌توانستم یک دلفین موفق باشم.

پدر و مادر کوشا او را بوسیدند و گفتند: اصل موفقیت، در همکاری و یک دلی گروه بدست می‌آید و تو توانستی با انجام دادن وظیفه‌ات و تلاش و مهارت در شنا، موفقیت گروه دلفین‌ها را دو چندان کنی.

- مشکل کوشا چه بود؟

- او چگونه توانست مثل بقیه‌ی دلفین‌ها شکارچی ماهری شود؟

- دلفین دانا چه راهکاری به مادر و پدر کوشا داد؟

- پیام داستان را بنویس و نقاشی کن.

بازخورد  
از کودک



## داستان شماره ۳

### پای آهنی

سحر روی صندلی کنار آبخوری نشسته بود. زهرا با دو تا بستنی آمد و گفت: کمی جا بده تا من هم بنشینم.

سحر کمی جمع و جور شد و به زهرا جا داد. زهرا یکی از بستنی‌ها را سمت سحر گرفت و گفت: بیا برای تو گرفتم.

سحر در حالی که بغض کرده بود گفت: نمی‌خورم!

زهرا که متوجه ناراحتی سحر شده بود، پرسید: چیزی شده؟

سحر شروع کرد به گریه کردن. زهرا با نگرانی گفت: خوب بگو چی شده؟ به خاطر نمره‌ی کمی که گرفتی داری گریه می‌کنی؟

سحر دماغش را بالا کشید و سرش را به نشانه‌ی نه تکان داد. زهرا گفت: پس چی شده؟

سحر گفت: مامانم پایش شکسته و نمی‌تواند راه برود. دکترها می‌خواهند توی پاهایش پلاتین بگذارند.

زهرا گفت: خوب اینکه گریه کردن ندارد! سحر با عصبانیت گفت: می‌دانی پلاتین چیه؟ می‌خواهند آهن به پای مامانم وصل کنند. من دلم نمی‌خواهد مامانم پای آهنی داشته باشد.

زهرا شروع به خندیدن کرد و لیس بزرگی به بستنی قیفیش زد. سحر حسابی از خونسردی دوستش کفری شده بود گفت: چرا می‌خندی؟ اصلاً من با تو قهر هستم.

زهرا جلوی خنده‌اش را گرفت و گفت: ببخشید. یک لحظه مامانت را با پای آهنی

تصور کردم و خنده‌ام گرفت. راستی دایی من هم چند وقت پیش تصادف کرده بود و استخوان‌های پایش شکسته بود، وقتی عملش کردند تو پای او هم پلاتین گذاشتند.

سحر پرسید: یعنی چطوری؟ مامانم می‌تواند راه برود؟

زهرا گفت: راستش نمی‌دانم. اصلاً می‌خواهی برویم از خانم گردی بپرسیم؟ او حتماً می‌داند.

سحر و زهرا رفتند پیش معلم‌شان که توی دفتر بود. زهرا ماجرای ناراحتی سحر را تعریف کرد و سپس سحر سوالش را پرسید و خانم گردی در جوابش گفت: ان‌شالله چیزی نیست. ببینید بچه‌ها پا از قسمت‌های مختلفی تشکیل شده که به خاطر پوست و گوشتی که روی آن‌را پوشانده است، ما نمی‌توانیم آن قسمت‌ها را ببینیم. البته همین پوست و گوشت از قسمت مهمی مثل استخوان محافظت می‌کند تا بر اثر هر ضربه‌ای نشکند، اما وقتی ضربه شدید بود و استخوان پا از چند جا شکست و یا از بین رفت، دکترها از پلاتین استفاده می‌کنند تا کار استخوان را انجام دهد. هر چند به خوبی استخوان خود آدم نمی‌شود ولی در بیشتر مواقع کسی که عمل کرده می‌تواند مثل همه‌ی مردم راه برود و مدتی بعد مشکلش حل می‌شود.

زهرا و سحر با خوشحالی به هم نگاه کردند و گفتند: چه جالب!

سحر گفت: یعنی مامانم می‌تواند به راحتی راه برود؟

خانم گردی گفت: سحر جان نگران نباش. ان‌شالله مادرت آسیب جدی ندیده باشد. اگر هم مجبور به استفاده از صندلی چرخ دار بشود، مهم نیست. همان مامان همیشگی توست که تو را دوست دارد.

سحر در دلش دعا کرد مادرش خوب شود. خانم گردی دوباره ادامه دادند: بعضی از قسمت‌های پا مثل زانو، مچ و لگن از چیزی به اسم مفصل درست شده که باعث خم و راست شدن پا می‌شود و اگر کوچک‌ترین مشکلی در این قسمت‌ها پیش بیاید، به طور کامل نمی‌توانیم پای خودمان را خم کنیم و یا حرکت دهیم.

زهرا گفت: پس باید خیلی مراقب پای خودمان باشیم. خانم گردی گفت: بله، حالا که سحر همچنان نگران است، بگذارید این را هم بگویم که الان زنگ می‌خورد. بعضی‌ها بر اثر تصادف یا اتفاق ممکن است دیگر نتوانند روی پای خودشان راه بروند.

اما هیچ وقت ناامید نمی‌شوند. مثلاً خانم زهرا نعمتی را می‌شناسید؟  
زهرا گفت: خانم اسمشان آشناست.

خانم گُردی گفت: بله، خانم زهرا نعمتی اولین بانوی ایرانی هستند که در طول تاریخ ورزش ایران توانسته‌اند در رشته‌ی تیراندازی با کمان مدال طلای جهانی المپیک و پارالمپیک را کسب کنند. من همیشه به ایشان افتخار می‌کنم.

زهرا با خوشحالی گفت: بله خانم یادم آمد. خانم گُردی به ساعتش نگاه کرد و گفت: زنگ تفریح تمام شده بچه‌ها، بروید سر کلاس، من هم الان می‌آیم. سحر جان دیگر ناراحت نباش. ان‌شاءالله مادر تو به زودی خوب می‌شود.

زهرا و سحر از معلمشان تشکر کردند و به کلاس رفتند. چند روز بعد، سحر با یک جعبه شیرینی به مدرسه آمد. خانم گُردی گفت: مناسب است شیرینی چیست؟ سحر که خیلی خوشحال بود گفت: مامانم پایش را عمل کرده و فردا از بیمارستان به خانه برمی‌گردد.



- چرا سحر ناراحت بود؟

- اگر مادر سحر مجبور به استفاده از صندلی چرخدار می‌شد، چه اتفاقی می‌افتاد؟

- آیا کسی که دچار آسیب می‌شود باید امیدش را از دست بدهد؟

- معلم درباره‌ی اهمیت پا چه نکاتی را به بچه‌ها گفت؟

- زهرا نعمتی کیست؟

- درباره زندگی چند تا از ورزشکارانی که مثل ایشان هستند، تحقیق کن.

بازخورد  
از کودک



## داستان شماره ۴

### دوستی به زیبایی فرشته

روز اول مهر با کمی تأخیر وارد مدرسه شدم. صف هر یک از کلاس‌ها مشخص شده بود. با سرعت رفتم ته صف کلاس چهارم ایستادم و دست روی شانه نفر جلویی گذاشتم و با شوق و ذوق گفتم: سلام مهسا، چقدر خوب است که دوباره امسال با هم توی یک کلاس هستیم. نفر جلویی به عقب برگشت و گفت: سلام. من را با دوستت اشتباه گرفتی. یک لحظه دلم ریخت و بی‌اختیار اخم‌هایم در هم رفت. قسمتی از صورت آن دختر لک‌های سفید داشت. ابروها و مژه‌هایش هم سفید بودند. او خودش را آرمیتا معرفی کرد و گفت که امسال اولین سالی است که به مدرسه‌ی ما آمده است. بدون اینکه تحویلش بگیرم، از ته صف سرک کشیدم و کمی جلوتر مهسا را دیدم و با هم به طرف کلاس رفتیم.

بچه‌ها هر کدام با دوستانشان روی نیمکت‌هایی که انتخاب کرده بودند نشستند. من و مهسا و راضیه هم روی نیمکت کنار پنجره نشستیم و بلافاصله شروع کردیم به خندیدن و شلوغ کاری. یک لحظه نگاهم به آخر کلاس افتاد، آرمیتا تنها ایستاده بود و فهمیدم، کسی دوست نداشته است با او روی یک نیمکت بنشیند. خانم معلم جدید وارد کلاس شدند و قبل از شروع درس گفتند، می‌خواهم به ترتیب قد، جای شماها را مشخص کنم. با نظر ایشان، مهسا و راضیه رفتند روی نیمکت ردیف چهارم نشستند. خدا خدا می‌کردم خانم معلم از آرمیتا نخواهند کنار من بنشیند. در همین فکر بودم که دیدم آرمیتا کیفش را گذاشت زیر میز و با لبخند کشاداری بغل دستم جا خوش کرد. به اعتراض بلند شدم و به خانم معلم گفتم: خانم می‌شود جای ما را عوض کنید! من می‌خواهم پیش دوستانم باشم.

خانم معلم در جوابم گفتند: عجله نکن چند روز که بگذرد، با هم دوست می‌شوید. نگاهی به صورت آرمیتا کردم و با حالت ناراضی بلند شدم و گفتم: نه! من خودم دو

تا دوست خوب دارم که پیش هم بودیم، ولی شما جای آنها را عوض کردید.

معلم از من خواستند گله نکنم و خیلی سریع درس را شروع کردند. دو ماه از سال تحصیلی جدید گذشته بود و من همچنان رفتار خوبی با آرمیتا نداشتم. یک روز معلم، بعد از زنگ تفریح به من گفتند توی کلاس بمانم. اولش ترسیدم و فکر کردم بخاطر اینکه مسئله‌های ریاضی‌ام را حل نکرده بودم، می‌خواهند به من تذکر بدهند، اما خیلی زود متوجه شدم، قضیه خیلی خیلی با اهمیت‌تر از آن است و ایشان می‌خواهند درس بسیار مهمی در زندگی به من بدهند. خانم معلم با آرامش گفتند: ستاره جان، همه‌ی این دو ماه توجهم به رفتار تو با آرمیتا بود و امروز مطمئن شدم هنوز با او دوست نشده‌ای. می‌توانم بیرسم چرا؟

خجالت کشیدم که واقعیت را بگویم، اما بالاخره با صدای ضعیفی گفتم: آخر قیافه‌ی آرمیتا یک جور است! راستش را بخواهید، آدم از او می‌ترسد.

معلم با ناراحتی به چشم‌هایم خیره شدند و گفتند: خودت را بگذار جای آرمیتا! دوست داشتنی او چنین رفتاری با تو می‌کرد؟ سکوت کردم چون اصلاً دلم نمی‌خواست، جای آرمیتا بودم.

معلم در ادامه گفتند: آرمیتا که خودش تصمیم نگرفته صورتش اینطوری باشد. این یک مسئله‌ی مادرزادی است. اما او یک دختر با ادب، باهوش و مهربان است. این خصوصیات، برای یک دوست خوب کافی نیست؟

برای لحظات کوتاهی همه‌ی کارهای آرمیتا در دو ماه گذشته، جلوی چشمانم ظاهر شد. او هر روز خوراکی‌هایش را به من تعارف می‌کرد و گاهی آنها را به دور از چشم من می‌گذاشت روی میز. آرمیتا وقتی وارد کلاس می‌شد به همه سلام می‌کرد. او هوش زیادی داشت و مثل یک معلم می‌توانست درس‌ها را درست و کامل برای بچه‌ها توضیح بدهد. حتی آرمیتا چند بار از من خواسته بود، زنگ‌های تفریح بیرون بروم، تا مسائل ریاضی را که بلد نیستم، یادم بدهد. همه‌ی اینها کارهای خوبی بود که در این مدت از آرمیتا سر زده بود و من هم همیشه نادیده گرفته بودمشان. از رفتار خودم خجالت زده بودم و همچنان به زمین نگاه می‌کردم و حرفی برای گفتن نداشتم.

ناگهان معلم از توی کیفشان یک کاغذ تا شده بیرون آوردند و گذاشتند روی میز. زیرچشمی به کاغذ نگاه کردم و هیچ سوالی نپرسیدم. معلم در حالیکه از کنارم بلند

می‌شدند و به طرف در کلاس می‌رفتند، با مهربانی گفتند: این نامه را صبح آرمیتا داد تا بدمش به تو. نمی‌دانم توی آن چه نوشته، ولی امیدوارم آن را بخوانی و جوابش را بدهی.

معلم از کلاس بیرون رفتند. با چشمانی که اشک توی آنها حلقه زده بود به نامه نگاه کردم. آرمیتا دور تا دور کاغذ را گل‌های رنگی کشیده بود. او با خط قشنگش نوشته بود:

سلام ستاره جان. می‌دانم که بخاطر قیافه‌ام دلت نمی‌خواهد کنارم بنشینی. اما من یک سؤال از تو دارم که امیدوارم به آن فکر کنی و جوابش را بدهی. در تمام روزهایی که گذشت تو هیچ خوبی در من ندیدی که دلت راضی شود، مشکل صورتم را فراموش کنی؟ من خیلی دلم می‌خواهد با تو دوست باشم و تو مشکل من را نادیده بگیری.

به امید آن روز. آرمیتا صداقت

نامه را با چشم‌های اشکی تمام کردم. نمی‌دانم چرا یک دفعه دلم برای صورت معصوم آرمیتا تنگ شد. حالا کم کم داشتم او را در ذهنم شبیه یک فرشته‌ی زیبا می‌دیدم. به ساعت نگاه کردم. تا تمام شدن نماز جماعت، ده دقیقه وقت باقی مانده بود. به سرعت از کلاس خارج شدم و به طرف پله‌های نمازخانه دویدم و امیدوار بودم آرمیتا مثل روزهای گذشته سر سجاده‌اش نشسته باشد و هنوز با قلب مهربانش بخواهد تا با او دوست شوم.

- چرا ستاره دوست نداشت با آرمیتا دوست شود؟

- تو جای آرمیتا بودی چه کار می‌کردی؟

- به نظر تو چرا رفتار ستاره اشتباه بود؟ او برای جبران اشتباه خودش چه کار کرد؟

بازخورد  
از کودک



نقاشی‌ها





## نقاشی شماره ۱: نقاشی با چشم‌های بسته

- پرورش مهارت همدلی با افرادی که متفاوت هستند؛
- افزایش توجه به احساسات افرادی که با بقیه متفاوتند؛
- تقویت دقت، توجه و تمرکز؛

زمان مورد نیاز: ۳۰ دقیقه



اجرا

۴۱

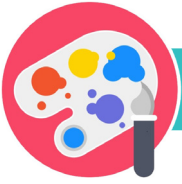
کتاب کار با کودکان ۶ تا ۹ سال

والد از کودک می‌پرسد: تا به حال به این فکر کرده‌ای که اگر بخواهی با چشم‌های بسته کاری را انجام دهی آیا می‌توانی یا نه؟ مثلاً چشم‌هایت را ببندی و غذا بخوری! چشم‌هایت را ببندی و بخواهی یک مسیری را دوچرخه سواری کنی! چه احساسی پیدا می‌کنی؟ حالا من چشم‌هایت را با چشم‌بند می‌بندم و شما هر تصویری را که دوست داری ترسیم کن.

سپس مادر چشم‌های کودک را می‌بندد و کودک شروع به ترسیم نقاشی می‌کند. پس از اتمام نقاشی کودک چشم‌هایش را باز کرده و فعالیت انجام شده را می‌بیند.

- زمانی که در حال ترسیم نقاشی بودی، چه احساسی داشتی؟
- آیا دوست داشتی همین نقاشی را با چشم‌های باز ترسیم می‌کردی؟
- به نظرت کودکان دارای معلولیت بینایی، چه مشکلاتی دارند؟
- اگر شما یک کودک دارای معلولیت بینایی بودی، چه کار می‌کردی؟
- دوست داشتی دیگران با شما چگونه رفتار می‌کردند؟

بازخورد  
از کودک



## نقاشی شماره ۲: بادکنک‌های احساسات

- پرورش مهارت همدلی با افرادی که متفاوت هستند؛
- تقویت توجه به احساسات افرادی که با بقیه متفاوتند؛
- پذیرفتن و احترام گذاشتن به همه‌ی تفاوت‌ها؛

زمان مورد نیاز: ۳۰ دقیقه

اجرا

از کودک بخواهید با مداد ۴ بادکنک نقاشی کند ولی آنها را رنگ نکند. مادر از کودک می‌پرسد: وقتی به کسی احترام می‌گذاری چه احساسی داری؟ وقتی یکی از هم‌کلاسی‌هایت تو را مسخره کند، چه کار می‌کنی؟ در ادامه از کودک می‌خواهد جملات را خوانده و بادکنک‌ها را بر اساس راهنما رنگ بزند. مادر به کودک بگوید هر احساس می‌تواند یک رنگ داشته باشد. مثلاً غمگین بودن می‌تواند آبی باشد، شاد بودن نارنجی و عصبانیت قرمز.

- ۱- مریم مشکل شنوایی داشته و سمعک دارد و بچه‌های کلاس با او حرف نمی‌زنند. احساس شما چه رنگی می‌شود؟ (بادکنک را رنگ بزن)
- ۲- رضا در زنگ‌های تفریح ویلچر علی را جابه‌جا می‌کند. احساس شما چه رنگی است؟ (بادکنک را رنگ بزن)
- ۳- علی توانایی دیدن ندارد. محمد به او می‌گوید: علی کور است. احساس شما چه رنگی است؟ (بادکنک را رنگ بزن)
- ۴- رؤیا برای راه رفتن از عصا استفاده می‌کند، مریم او را مسخره می‌کند و ادایش را در می‌آورد. احساس شما چه رنگی است؟ (بادکنک را رنگ بزن)

- از انجام این فعالیت چه احساسی داشتی؟
- دوست داری با افرادی که معلولیت بینایی، شنوایی و یا حرکتی دارند، چطور رفتار کنی که خوشحال شوند؟
- اگر خودت یکی از این مشکلات را داشتی، انتظارت چه بود؟

بازخورد  
از کودک



## نقاشی شماره ۳: من فرق دارم!

- تقویت مهارت همدلی؛

- تحریک قوهی خلاقیت؛

- تحریک تفکر خلاق و تخیل؛

- پذیرش تفاوتها؛

زمان مورد نیاز: ۳۰ دقیقه

### اجرا

والد از کودک می‌خواهد سه تصویر ترسیم کند که این موارد در آن وجود داشته باشد.

۱- کودک، عصا، خیابان

۲- پارک، توپ، علی روی صندلی چرخ‌دار

۳- کودک دارای سمعک، حیاط مدرسه، بچه‌ها

۴۳



کتاب کار با کودکان ۶ تا ۹ سال

- بنظرت راه رفتن با عصا چه محدودیت‌هایی برای آدم ایجاد می‌کند؟  
- کسی رو می‌شناسی که روی ویلچر بنشیند؟ چند ویژگی خوب او را بگو.  
- تا حالا فکر کردی که چه کمک‌هایی می‌توانستی به این افراد بکنی؟

بازخورد  
از کودک



## نقاشی شماره ۴: روز جهانی افراد دارای معلولیت

- پرورش مهارت همدلی با افرادی که متفاوت هستند؛
- تقویت توجه به احساسات افرادی که با بقیه متفاوتند؛
- افزایش آگاهی کودکان از تنوع و تفاوت در زندگی انسان‌ها؛
- پذیرش و احترام گذاشتن به همه‌ی تفاوت‌ها؛

زمان مورد نیاز: ۳۰ دقیقه

اجرا

با کمک و راهنمایی یکی از اعضای خانواده تقویم را نگاه کن. روز جهانی افراد دارای معلولیت را پیدا کن و به همین مناسبت یک نقاشی بکش و به آن‌ها هدیه بده. می‌توانی در زیر نقاشی جمله‌های زیبا هم بنویسی و آن‌ها را خوشحال کنی.



۴۴

خودآموز قرآن‌سوز - ارتباط با کودکان دارای معلولیت

-توانایی‌های افرادی که معلولیت شنوایی دارند، چیه؟

-اگر شما یک فرد کم‌بینا یا نابینا بودی، انتظار داشتی دوستانت چگونه با شما رفتار می‌کردند؟

بازخورد  
از کودک





پویانمایی‌ها

## ۱- مسخره کردن و دست انداختن

ساناز دختری است که همه‌ی دوستان و همکلاسی‌هایش را مسخره می‌کند. بعضی از دوستانش می‌گویند: ساناز شوخ‌طبع است و بعضی دیگر می‌گویند: این شوخ‌طبعی نیست، او با حرف‌ها و رفتارش دیگران را مسخره و ناراحت می‌کند. پدر بزرگ مهسا وقتی که به این صفت ساناز پی برد، تصمیم گرفت با ترتیب دادن میهمانی و اجرای نمایش عروسکی، ساناز را متوجه کند که مسخره کردن کار خوبی نیست. چون افراد با هم متفاوتند. یکی قد بلند است و دیگری کوتاه قد. یکی پاهایش سالم است و یکی ممکن است برای حرکت کردن از عصا یا صندلی چرخ دار استفاده کند.



### گفت‌وگوی قبل از تماشا

به کودکان بگویید چون آدم‌ها با هم متفاوت هستند؛ ما وظیفه داریم آن‌ها را همانطور که هستند بپذیریم و برایشان احترام قائل باشیم. تو در این انیمیشن دختری را می‌بینی که همه رو مسخره می‌کند ولی بالاخره متوجه اشتباهش شده و عذرخواهی می‌کند.

### گفت‌وگوی بعد از تماشا

- ساناز چطور دختری بود؟
- مهسا از کدام رفتار ساناز ناراحت شد؟
- پدر بزرگ چطور ساناز را متوجه رفتار نامناسبش کرد؟
- اگر کسی شما را مسخره کند، شما با او چطور برخورد می‌کنید؟
- از این داستان چه چیزهایی یاد گرفتی؟



برای دانلود انیمیشن، رمزینته‌ی پاسخ سریع را با دوربین گوشی اسکن نمایید.

## ۲- این منم! هلن کلر.

این داستان در مورد دختری است به نام هلن کلر که نابینا و ناشنواست. معلم او سالیوان به او کمک کرد تا خواندن و نوشتن را یاد بگیرد. هلن بسیار تلاش کرد و از شکست‌ها ناامید نشد. معلولیت نمی‌تواند مانعی برای پیشرفت باشد. این انیمیشن به کودکان می‌گوید: داشتن ناتوانی و متفاوت بودن از بقیه به معنای این نیست که دست از تلاش برداریم. و این که باید از تمام توانایی‌هایمان استفاده کنیم.



۱۶ دقیقه

### گفت‌وگوی قبل از تماشا

به کودکان بگویید هلن کلر دختری نابینا و ناشنوا بود که به سختی و با کمک سالیوان معلمش، به موفقیت رسید. به شدت تلاش کرد و به اهدافش رسید و هیچ چیزی نتوانست مانعش باشد.

۴۸

### گفت‌وگوی بعد از تماشا

- هلن کلر چه توانایی‌هایی داشت؟
- سالیوان چطوری به او خواندن و نوشتن یاد می‌داد؟
- اگر شما جای هلن کلر بودی، چه کار می‌کردی؟
- تصویری از هلن کلر ترسیم کن و داستانی کوتاه در موردش بنویس.

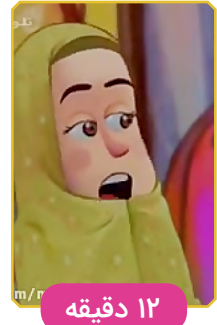


برای دانلود انیمیشن، رمزینته‌ی پاسخ سریع را با دوربین گوشی اسکن نمایید.



### ۳- انیمیشن دست‌های توانا

این انیمیشن در مورد دختری است که روی صندلی چرخدار می‌نشیند و قرار است به مهمانی برود. دختر صاحبخانه اول نمی‌تواند با او ارتباط برقرار کند و بازی کند ولی بعداً به توانایی او پی می‌برد و شگفت‌زده می‌شود. توجه به توانایی‌های افراد دارای معلولیت در این انیمیشن به کودکان آگاهی می‌دهد که افراد را با توانایی‌ها و ناتوانایی‌هایی که دارند بپذیریم و برایشان احترام قائل باشیم.



#### گفت‌وگوی قبل از تماشا

به کودک بگویید در این داستان دختری را می‌بینی که از ناحیه‌ی پا مشکل داشته و از صندلی چرخ دار استفاده می‌کند ولی در سایر زمینه‌ها استعداد و توانایی ویژه‌ای دارد.

۴۹

کتاب کار با کودکان ۶ تا ۹ سال

#### گفت‌وگوی بعد از تماشا

- شایسته چه مشکلی داشت؟
- حسنا و شایسته چه بازی رو با هم انجام دادن؟
- شایسته با کاغذ چه کاردستی درست کرد؟
- شایسته چه توانایی‌هایی داشت؟



برای دانلود انیمیشن، رمزینته‌ی پاسخ سریع را با دوربین گوشی اسکن نمایید.

## ۴- یان

اثری بسیار زیبا و احساسی، بر اساس یک داستان واقعی و تکان‌دهنده که مطمئناً قلب همه‌ی ما رو برای ساخت یک جامعه‌ی متحد و مهربان‌تر، درگیر خواهد کرد. این انیمیشن کوتاه داستان پسر بچه‌ای به نام Ian (یان) است که به صورت مادرزادی دارای معلولیت است و مانند همه می‌خواهد برای خود همبازی داشته باشد.



۱۲ دقیقه

### گفت‌وگوی قبل از تماشا

پیش از شروع انیمیشن، در مورد حق کودکان دارای معلولیت در استفاده از اموال عمومی صحبت کنید. اینکه گاهی این افراد به دلیل محدودیت‌ها در استفاده از وسایل، ممکن است لذت کافی از حضور در اجتماع را نبرند و این وظیفه‌ی ما است که با توجه و کمک به آنان می‌توانیم فضایی را مهیا کنیم که همه‌ی افراد، خوشحال و با نشاط باشند.

۵۰

### گفت‌وگوی بعد از تماشا

- کودکان دارای معلولیت، چه نیازهایی در پارک دارند؟  
- آیا پارک محله‌ی شما برای استفاده‌ی کودکان دارای معلولیت مناسب است؟  
اگر می‌توانستی فضای پارک محله‌تان را تغییر دهی، چه کارهایی برای کودکان دارای معلولیت در آن انجام می‌دادی؟

خودآموز فرآیند - ارتباط با کودکان دارای معلولیت



برای دانلود انیمیشن، رمزینته‌ی پاسخ سریع را با دوربین گوشی اسکن نمایید.





## بازی دیجیتال

قبل از شروع بازی ها سعی کنید بازی را نصب کرده و با محیط بازی آشنا شوید.  
بعد در فرصتی مناسب کودک را تشویق به این بازی ها کنید.



## بازی شماره ۱: مجموعه بازیهای سبز



مجموعه بازیهای سبز دارای چهار داستان تعاملی با موضوعات مختلف از قبیل نگهداری از محیط زیست، حفظ منابع طبیعی، صرفه‌جویی و آشنایی با صدهای پیرامونی داره. هدفش هم رشد قوای همدلی و افزایش آرامش فکری و بصری کودک است. نکته‌ی جالبی که وجود داره اینه که این بازی با لهجه‌های شیرین اصفهانی و یزدی و زبان‌های فارسی، آذری، کردی و انگلیسی آماده شده. این بازی برای کودکان تا ۹ سال طراحی شده است.

به کودکان بگویند تو در این بازی با موضوعات مختلفی مثل حفظ و مراقبت از محیط زیست، حفظ منابع طبیعی، صرفه‌جویی و آشنایی با صدهای محیطی آشنا شده و آن‌ها را انجام می‌دهی.

گفت‌وگوی قبل  
از بازی

- کدام بخش از بازی را بیشتر دوست داشتی؟

- با کدام بازی به آرامش فکری رسیدی؟

- به نظرت هم‌هی کودکان می‌تونن این بازی رو انجام بدن؟

گفت‌وگوی بعد  
از بازی



## بازی شماره ۲: قهرمان کوچولو



بازی کودکانه‌ی قهرمان کوچولو به آموزش مهارت‌های فردی مانند غذا خوردن، شستن دست‌ها، لباس پوشیدن، مسواک زدن، دستشویی رفتن و مرتب کردن اتاق به کودکان اختصاص داده شده است. گرافیک و مراحل بازی مطابق با فرهنگ ایرانی و با هدف آموزش مرحله به مرحله به کودک، به ویژه کودکان خاص و با نیازهای ویژه طراحی شده است و هدف اصلی آن توانمندسازی کودک است.

۵۴

به کودکان بگویید قرار است کارهای روزمره‌ی خودت را در این بازی دوباره مرور کنی و باید خود را به جای کودکی که دارای معلولیت است و انجام این امور برایش سخت هست، تصور کنی.

گفت‌وگوی قبل  
از بازی

- کدام بخش از بازی برای تو به راحتی انجام شد؟

- به نظرت کدام کار برای کودکان دارای معلولیت در راه رفتن سخت‌تر هست؟

- اگر بخواهی که کاری برای کودکان دارای معلولیت انجام دهی که آنان بتوانند راحت‌تر کارهای روزمره را انجام دهند، چکار می‌کردی؟

گفت‌وگوی بعد  
از بازی



## دعا و نیایش

در پایان، متن این دعا و نیایش را با فرزند خودتان بخوانید:

طبق فرموده امام علی علیه‌السلام و امام صادق علیه‌السلام، دعا در این زمان‌ها به استجابت نزدیک است: بعد از نماز، هنگام تلاوت قرآن، قبل از اذان صبح، بعد از طلوع فجر، بعد از ظهر و بعد از مغرب، قبل از بلا و سختی‌ها، شب عید قربان و اول رجب، روز عرفه، نیمه شعبان، شب عید فطر، ماه مبارک رمضان، روزهای جمعه.

می‌توانی این دعاها را خوب با همراه بزرگ‌تره‌ها بخوانی. این دعاها را یاد بگیر و با خدا گفت‌وگو کن. خدا صدا و دعای تو را که پاک و خوب هستی، دوست دارد.

خدای مهربانم از تو ممنونم به خاطر اینکه من را به‌خوبی خلق کرده‌ای و به من توانایی عطا کرده‌ای.

خدایا! تو خالق من و همه عالم هستی. از اینکه ما را سالم آفریده‌ای از تو ممنونم.

خداوندا! اگر نقصی در ظاهر من هست حتماً حکمتی دارد و من هم به اندازه‌ی بقیه مخلوقات برای تو عزیز هستم.

من همیشه مراقب خودم هستم و از پاکی و سلامتی خودم مواظبت می‌کنم. تو هم مراقب من باش تا هیچ چیزی باعث ناامیدی و یاس من نشود.

به من کمک کن تا فکرهای مثبت داشته باشم و از داشتن رفتار و نگاه بد به خودم و دیگران به دور باشم.

خدای مهربانم من می‌دانم اگر اشتباهی از من سر زد، تو من را می‌بخشی و مثل همیشه دوستم داری.

خدایا بر پیامبر مهربانت و خاندان عزیزشان درود بفرست و من را از پیروان ایشان قرار بده.





## منابع

- مهدی آذربیدی، محمد میرکیانی، زهرا موسوی. ۱۳۹۹. قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب: قصه‌های برگزیده از مثنوی مولوی. موسسه انتشارات امیرکبیر، کتابهای شکوفه
- مهدی آذربیدی، محمد میرکیانی، زهرا موسوی. ۱۳۹۹. قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب: قصه‌های برگزیده از گلستان و ملستان. موسسه انتشارات امیرکبیر، کتابهای شکوفه
- مهدی آذربیدی، مصطفی رحماندوست، نگین فراهانی. ۱۳۹۹. قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب: قصه‌های چهارده معصوم (ع). موسسه انتشارات امیرکبیر، کتابهای شکوفه
- مهدی آذربیدی، محمد میرکیانی، زهرا موسوی. ۱۳۹۹. قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب: قصه‌های برگزیده از آثار شیخ عطار. موسسه انتشارات امیرکبیر، کتابهای شکوفه
- مهدی آذربیدی، محمد میرکیانی، زهرا موسوی. ۱۳۹۹. قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب: قصه‌های برگزیده از سندبادنامه و قابوسنامه. موسسه انتشارات امیرکبیر، کتابهای شکوفه
- مهدی آذربیدی، زهرا موسوی، محمد میرکیایی. ۱۳۹۹. قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب: قصه‌های برگزیده از مرزبان‌نامه. موسسه انتشارات امیرکبیر، کتابهای شکوفه
- مهدی آذربیدی، محمد میرکیانی، زهرا موسوی. ۱۳۹۹. قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب: قصه‌های برگزیده از کلیله و دمنه. موسسه انتشارات امیرکبیر، کتابهای شکوفه
- مهدی آذربیدی، محمد میرکیانی، زهرا موسوی، مرتضی ممیز. ۱۳۹۹. قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب: قصه‌های برگزیده از قصه‌های قرآن. موسسه انتشارات امیرکبیر، کتابهای شکوفه
- مرتضی مجدفر، لیلا سلیقه‌دار، ابراهیم اصلانی، محرم آقازاده. ۱۳۹۳. خیلی نزدیک، کمی دور: مهارت‌های زندگی: تفاهم و همدلی. مرآت
- محرم آقازاده، ابراهیم اصلانی، لیلا سلیقه‌دار، مرتضی مجدفر. ۱۳۹۳. دنیای من، دنیای تو: مهارت‌های زندگی: روابط بین فردی و ارتباط مؤثر. مرآت
- لیلا سلیقه‌دار، ابراهیم اصلانی، مرتضی مجدفر، محرم آقازاده. ۱۳۹۲. سیب‌هایی سر راه مهارت‌های زندگی: تصمیم‌گیری. مرآت
- محرم آقازاده، مرتضی مجدفر، ابراهیم اصلانی، لیلا سلیقه‌دار. ۱۳۹۲. ویندوز جدید زندگی! مهارت‌های زندگی: مهارت زندگی در دنیای امروز. مرآت
- لیلا سلیقه‌دار، محرم آقازاده، ابراهیم اصلانی، مرتضی مجدفر. ۱۳۹۲. عبور از دیوارهای بلند مهارت‌های زندگی: مهارت رودرویی با بحران‌های زندگی. مرآت
- مرتضی مجدفر، لیلا سلیقه‌دار، محرم آقازاده، ابراهیم اصلانی. ۱۳۹۲. اندیشه نو، زندگی متفاوت مهارت‌های زندگی: مهارت‌های فرایندی: تفکر خلاق و تفکر نقاد. مرآت
- محرم آقازاده، لیلا سلیقه‌دار، مرتضی مجدفر، ابراهیم اصلانی. ۱۳۹۲. یک شهر، یک سقف مهارت‌های زندگی: مهارت شهروندی. مرآت
- رضاعلی نوروزی، مریم صاعی، آسیه حسنی، فائزه تقی‌یار. ۱۳۹۴. شهربازی هوش هیجانی: کودک اجتماعی. یار مانا

- ابراهیم اصلانی، محرم آقازاده، مرتضی مجدفر، لیلا سلیقه‌دار. ۱۳۹۲. گره‌گشایی در روز روشن مهارت‌های زندگی: تعارض و حل مسئله. مرآت

- رضاعلی نوروزی، منیره عابدی‌درچه، مریم صانعی، آسیه محسنی، فائزه تقی‌بار. ۱۳۹۵. شهربازی هوش هیجانی: کودک خودآگاه. یار مانا، مهرآفرین

- رضاعلی نوروزی، منیره عابدی‌درچه، مریم صانعی، آسیه محسنی، فائزه تقی‌بار. ۱۳۹۵. شهربازی هوش هیجانی: کودک خودآگاه. یار مانا، مهرآفرین

- رضاعلی نوروزی، مریم صانعی، آسیه محسنی، فائزه تقی‌بار. ۱۳۹۵. شهربازی هوش هیجانی: کودک اجتماعی. یار مانا

- رضاعلی نوروزی، مریم صانعی، آسیه محسنی، فائزه تقی‌بار. ۱۳۹۵. شهربازی هوش هیجانی: کودک خلاق. یار مانا، مهرآفرین

- رضاعلی نوروزی، مریم صانعی، آسیه محسنی، فائزه تقی‌بار. ۱۳۹۵. شهربازی هوش هیجانی: کودک سازگار. یار مانا، مهرآفرین

- رضاعلی نوروزی، مریم صانعی، آسیه محسنی، فائزه تقی‌بار. ۱۴۰۰. شهربازی هوش هیجانی: کودک خلاق. یار مانا

- رضاعلی نوروزی، نگین درخشنده، مریم همت. ۱۳۹۲. داستان‌های فکری برای کودکان ایرانی (مجموعه‌ی ۱۰ جلدی). نشر آموخته

.....

- شارنل بارتل. ۱۳۹۶. صد و یک بازی نشاط آور برای بچه های ۶ تا ۱۰ سال، ترجمه: حسین فدایی حسین، تهران: نشر صابرین.

- فاطمه بدرطالعی. ۱۳۹۴. بازی های محلی ایران برای کودکان و نوجوانان، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان .

- اسماعیل جعفری. ۱۳۹۷. دایره المعارف بازی کودکان، تهران، نشر ندای سینا.

- پترا راین هارد. ۱۳۹۱. ۲۵۰ بازی ۵ دقیقه ایی با بچه ها در خانه و مهد و مدرسه، ترجمه: اکبر قندی ، تهران: نشر قدیانی.

- شاندو واردا. ۱۳۹۷. ۱۰۱ بازی خانوادگی، ترجمه: منصوره اصلانی. تهران: نشر صابرین.

- جی کی چن، امیلی ایزبرگ، مارا کرچوسکی. ۱۳۹۳. پروژه طیف (تجربه ها و فعالیت هایی برای افزایش هوش های چندگانه در کودکان پیش دبستانی). ترجمه: علی اکبر ابراهیمی، احمد عابدی. اصفهان: نشر نوشته.

- جان گاتمن. ۱۳۹۱. پرورش هوش هیجانی در کودکان. ترجمه: حمیدرضا بلوچ، تهران، نشر رشد.

- استنلی گرین اسپن. ۱۳۹۴. کلیدهای پرورش احساس امنیت در کودکان. ترجمه: اکرم کرمی، تهران: نشر صابرین.

- سایت بنیاد ملی بازی‌های رایانه‌ای به آدرس ([www.ircg.ir](http://www.ircg.ir))

- سامانه‌ی دستیار چندرسانه‌ای خانواده؛ کدومو به آدرس ([www.kodoumo.ir](http://www.kodoumo.ir))

- مرجع تحلیل تربیتی انیمیشن‌ها به آدرس ([www.chikhoobeh.com](http://www.chikhoobeh.com))

- سرویس اشتراک ویدئو به آدرس ([www.aparat.com](http://www.aparat.com))

- مرجع پخش زنده و آرشیو شبکه‌های صدا و سیما به آدرس ([www.telewebion.com](http://www.telewebion.com))

- سایت دانلود برنامه و بازی برای اندروید؛ کافه بازار به آدرس ([www.cafebazaar.ir](http://www.cafebazaar.ir))